

75007 - حکم فروش لباس‌هایی که مشخص نیست در امر حلال یا حرام از آن استفاده خواهد شد

سوال

من در چند مرکز خرید فروشگاه‌های لباس مردانه و زنانه دارم و دربارهٔ حالاتی خواندم که فروش لباس‌های زنانه در آن حرام می‌شود یعنی لباس‌هایی که فروشنده بداند خریدار از آن برای حرام استفاده خواهد کرد، فروش آن جایز نیست. اما تاجر یا فروشنده چطور بداند که آن زن لباسی که می‌خرد را در راه حرام خواهد پوشید؟ چون فروشنده در وضعیتی نیست که بداند از این لباس چه استفاده‌ای خواهد شد

پاسخ مفصل

الحمدلله.

لباس‌های زنانه‌ای که بازرگانان در فروشگاه‌های خود می‌فروشند از سه حالت خارج نیست:

نخست:

اینکه فروشنده بداند یا بر گمانش غالب باشد که این لباس به شکل مباح استفاده خواهد شد و در حرام از آن استفاده نخواهد شد. فروش این لباس اشکالی ندارد.

دوم:

اینکه فروشنده بداند یا گمان غالبش بر آن باشد که این لباس در حرام استفاده خواهد شد، یعنی آن زن لباس مذکور را برای زینت و خودنمایی در برابر مردان نامحرم خواهد پوشید. فروش این لباس حرام است، زیرا حق تعالی می‌فرماید: **وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ** [مائده: ۲] (و در راه گناه و تعدی با یکدیگر همکاری نکنید).

فروشنده می‌تواند این را از نوع لباسی که می‌فروشد و وضعیت زنی که آن را می‌خرد تشخیص دهد.

لباس‌هایی هست که هرچقدر آن زن متبرج و خودنما باشد ممکن نیست که آن را در برابر کسی جز شوهرش بپوشد و نمی‌تواند با آن در برابر مردان نامحرم ظاهر شود و همچنین لباس‌هایی هست که بر اساس گمان غالب فروشنده - یا شاید یقین او - توسط آن زن در حرام مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

بنابراین برای فروشنده واجب است که بر اساس علم یا گمان غالب خود از حال و روز مشتری عمل کند.

همچنین ممکن است که آن لباس در مباح و در حرام استفاده شود اما پای‌بندی خود زن به حجاب (با بررسی ظاهر او) یا اینکه دولت آنان را ملزم به حجاب می‌کند مانع از استفاده آن در حرام می‌شود که در این صورت فروش آن اشکالی ندارد.

سوم:

اینکه فروشنده شک کند و دچار تردید شود که این لباس در غیر حرام استفاده خواهد شد یا در حرام؟ زیرا لباس مورد نظر برای هر دو مورد قابل استفاده باشد و قرینه‌ای هم نباشد که باعث ترجیح یکی از این دو احتمال شود. در این صورت فروش آن لباس اشکالی ندارد زیرا اصل بر اباحت فروش و حرام نبودن آن است و الله تعالی می‌فرماید: **وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ** [بقره: ۲۷۵] (الله خرید و فروش را حلال کرده است). در این صورت برای خریدار واجب است که آن لباس را در آنچه الله حلال ساخته استفاده کند و جایز نیست که در حرام از آن استفاده کند.

این‌ها برخی از فتاوایی هستند که موارد پیشین را تایید می‌کند:

از علمای کمیسیون دائم فتوا پرسیده شد:

حکم تجارت در لباس‌هایی که زنان برای زیبایی می‌پوشند و فروش آن به کسانی که فروشنده بر اساس سر و وضع آن زن می‌داند که برای خودنمایی در برابر نامحرم‌ها در خیابان خواهند پوشید چنانکه در برخی از کشورها شایع است، چیست؟ آنان چنین پاسخ دادند:

«در صورتی که تاجر بداند مشتری آن را در حرام استفاده خواهد کرد، فروش آن جایز نیست؛ زیرا این کار در بر دارنده همکاری در گناه و تعدی است، اما اگر بداند که مشتری آن را برای زیبا شدن در برابر شوهرش می‌پوشد یا چیزی نداند، معامله آن جایز است» (فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء: ۱۳/۶۷).

همچنین از علمای «اللجنة الدائمة» پرسیده شد:

حکم فروش لوازم آرایشی مخصوص زنان چیست؟ با در نظر گرفتن اینکه بیشتر کسانی که این لوازم را می‌خرند از زنانی هستند که مرتکب معصیت خدا و پیامبرش می‌شوند و از این چیزها برای زینت و آرایش در برابر غیر شوهرشان استفاده می‌کنند؟

آنان چنین پاسخ گفتند:

«اگر قضیه چنان باشد که گفتید، فروش به آنان اگر حال و روزشان مشخص است جایز نیست زیرا همکاری در گناه و تعدی است و الله تعالی از این کار نهی کرده و فرموده است: **وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ** [مائده: ۲] (و در راه گناه و

تعدی با یکدیگر همکاری نکنید» (فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء: ۱۰۵/۱۳).

همچنین از علمای این کمیسیون پرسیده شد:

فروش شلوارهای تنگ زنانه با انواع مختلف آن از جمله شلوار جین و استرچ چیست؟ همچنین فروش ستهای بلوز و شلوار به اضافه کفشها و چکمههای زنانه پاشنه بلند و رنگهای موی گوناگون به ویژه رنگ موی مخصوص زنان و همچنین لباسهای شفاف زنانه که شیفون نامیده می شود و لباسهای زنانه نیم آستین و کوتاه و دامنهای کوتاه زنانه چه حکمی دارد؟

پاسخ علما چنین بود:

«هر آنچه در راه حرام به کار برود یا بنابر گمان غالب چنین باشد، تولید و فروش و وارد کردن و ترویج آن میان مسلمانان حرام است، از جمله آنچه بسیاری از زنان - خدا به راه درست هدایتشان کند - امروزه دچارش شده اند مانند پوشیدن لباسهای شفاف و تنگ و کوتاه. وجه مشترک همه این لباسها ظاهر ساختن اماکن فتنه انگیز و زیباییهای زن و مشخص کردن حجم اعضای بدن زن در برابر مردان نامحرم است. شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می گوید: «هر لباسی که بنابر گمان غالب برای گناه از آن بهره برده می شود، فروش و دوختن آن برای کسی که در راه حرام از آن استفاده می کند حرام است. برای همین فروش نان و گوشت برای کسی که دانسته شود آن را همراه با خمر می خورد... و هر چیز مباحی که دانسته شود برای گناه از آن بهره برده می شود مکروه است».

بنابراین بر هر بازرگان مسلمانی واجب است که تقوای الله عزوجل را در نظر گیرد و برای برادران مسلمانانش دلسوز و ناصح باشد و چیزی را تولید نکند و نفروشد مگر آنچه در آن خیر و سود آنان است و هرچه در آن شر و زیانی علیه آنان است را ترک گوید و حلال، انسان را از حرام بی نیاز می سازد: **وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (۲) وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ** [طلاق: ۲، ۳] (و هر کس تقوای الله را پیشه سازد [الله] برای او راه برون رفتی [از مشکلات] قرار می دهد (۲) و او را از جایی که حسابش را نمی کند روزی می دهد) و این دلسوزی مقتضای ایمان است. الله تعالی می فرماید: **وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ [توبه: ۷۱]** (و مردان و زنان مؤمن دوستان [و یاور] یکدیگرند؛ به کارهای پسندیده امر می کنند و از کارهای ناپسند باز می دارند). و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: «دین، نصیحت [و خیرخواهی] است». گفته شد: برای چه کسی یا رسول الله؟ فرمود: «برای الله و برای کتابش و برای پیامبرش و برای حاکمان مسلمان و عموم آنها» (به روایت مسلم در صحیح). جریر بن عبدالله بجلي - رضی الله عنه - می گوید: با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بر برپا داشتن نماز و دادن زکات و نصیحت و خیرخواهی برای هر مسلمان بیعت کردم (متفق علیه). منظور شیخ الاسلام - رحمه الله - از لفظ کراهت در سخنی که از ایشان نقل شد: «هر لباسی که بنابر گمان غالب برای گناه از آن بهره برده می شود، فروش و دوختن آن برای کسی که در راه حرام از آن استفاده می کند

حرام است. برای همین فروش نان و گوشت برای کسی که دانسته شود آن را همراه با خمر می خورد... مکروه است»
کراهت تحریم است، چنانکه از فتاوی ایشان در مواضع دیگر دانسته می شود» (فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمية
والإفتاء: ۱۳/۱۰۹).

والله اعلم.